



نوع مقاله: پژوهشی
دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴
دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

مطالبه خسارت معنوی ناشی از وقوع اشتباه در باروری‌های پزشکی با نگاهی به رویه قضایی

غفور خوئینی

دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

✉ akhoondi.faeze@ut.ac.ir

✉ فائزه آخوندی

قاضی دادگستری، دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده: وقوع اشتباه در روند درمان ناباروری در محیط آزمایشگاهی و توسط هیأت درمان محتمل است. درجه تأثیر اشتباهات نیز متفاوت است و برخی اشتباهات حیات و سلامت جنین یا اهداگیرنده و یا هر دو را به خطر می‌اندازد که به عبارتی اشتباهات مهم و اساسی است و برخی اشتباهات نیز قابل اغماض است و تأثیر چندانی بر حیات جنین، طفل و یا اهداگیرنده ندارد. با پذیرش تحقق اشتباه حین درمان ناباروری، در صورت بروز ضرر، نظام جبران خسارات قابل اعمال است؛ درحالیکه مطالبه خسارت معنوی در برخی مصادیق که منجر به بروز صدمات غیرعمدی مستوجب دیه به حیات و سلامت اهداگیرنده، جنین یا طفل شود، با تردید مواجه است. رویکرد مقنن در قانون مسئولیت مدنی جواز مطالبه خسارت معنوی است؛ اما تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مانع مطالبه خسارت معنوی در جرایم مستوجب دیه و تعزیرات منصوص شرعی است و وقوع اشتباه در صورتی که منجر به پرداخت دیه شود، امکان مطالبه خسارت معنوی را با تردید مواجه می‌نماید. رویه قضایی نیز در حال حاضر امکان مطالبه خسارت معنوی ناشی از بروز صدمات بدنی غیرعمدی مستوجب دیه را قابل مطالبه نمی‌داند؛ مگر اینکه خسارت معنوی ذیل ضرر و زیان مادی و جسمانی مطالبه گردد. مطالبه خسارت معنوی، به‌عنوان جبران خسارت مادی به مفهوم عام و در قالب وجه نقد و یا اموال و همچنین حمایت‌های روحی و روانی همچون روانکاوی امکان‌پذیر است. به علاوه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در جهت مطالبه خسارت معنوی ناشی از حوادث پزشکی ضروری است. پیش‌بینی صندوق تأمین خسارات (از جمله جبران خسارت معنوی) ناشی از حوادث پزشکی نیز راه حل مطلوبی به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: اشتباه، خسارت معنوی، باروری‌های پزشکی، رویه قضایی

استناد: خوئینی، غفور و آخوندی، فائزه. (۱۴۰۴). مطالبه خسارت معنوی ناشی از وقوع اشتباه در باروری‌های پزشکی با نگاهی به رویه قضایی. فصلنامه رویه قضایی، ۱(۱)، ۱-۱۹.

<https://doi.org/10.22034/juris.2025.726679>

© نویسنندگان

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

باروری‌های پزشکی در محیط آزمایشگاهی انجام می‌شوند و احتمال بروز خطا و اشتباه از جانب هیأت درمانی محتمل است. وجود میکروب، باکتری و یا ویروس در محیط آزمایشگاهی و سپس انتقال به گامت یا رویان اهدایی و یا ابتلای اهداگیرنده به بیماری‌های واگیردار صعب‌العلاج مانند هپاتیت و یا ایدز ناشی از اشتباه متخصص مربوطه در شناسایی آن از جمله اشتباهات و خطاهای محتملی است که ممکن است در حین درمان ناباروری حادث شود. ناشی از این قبیل خطا و اشتباهات نیز ممکن است خسارات متعدد بدنی (جسمانی)، مادی و معنوی به اهداگیرنده یا جنین (سپس طفل) و یا هر دو وارد شود. در این میان مطالبه خسارت معنوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پرداختن به امکان مطالبه خسارت معنوی و روش‌های جبران آن در خصوص اهداگیرنده و یا طفل ناشی از اهدا از این حیث اهمیت دارد که توجه و تضمین حقوق زیان‌دیده به‌ویژه طفل ناشی از اهدا بسیار مهم است و موضوع اصلی و اساسی به‌کارگیری درمان ناباروری نیز فرزندآوری است و نمی‌توان مصالح عالی‌ه طفل را در این میان نادیده انگاشت. به عبارتی فرزندآوری ثمره به‌کارگیری روش‌های مختلف باروری پزشکی است و نتیجه مطلوب آن نیز داراشدن فرزند سالم است. لذا در صورت بروز هرگونه اشتباهی بر حسب شدت و ضعف، ابعاد معنوی و عاطفی و همچنین حیات شخص اهداگیرنده و یا طفل ناشی از اهدا و یا هر دو، در معرض آسیب قرار خواهد گرفت. آسیب روحی و روانی وارده بعضاً ممکن است در تمامی طول حیات، همراه فرد باشد و بعضاً ابعاد دیگر زندگی وی را مختل نماید.

در نظام حقوقی مطالبه خسارت معنوی به‌عنوان قاعده کلی با توجه به رویکرد قانون‌گذار ایران ذیل اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و همچنین ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جبران ضرر و خسارت معنوی به رسمیت شناخته شده و

۱. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی از اطلاق کلمه «سلامتی» استنباط می‌شود که سلامتی منحصر به جنبه جسمی نبوده، بلکه سلامت روحی و عاطفی هر انسانی جزو لاینفک سلامتی اوست. همانطور که برخی امراض جسمی اند، برخی نیز روحی هستند و برخی به هر دو مربوط می‌باشند. همانطور که هیچ‌کس بدون مجوز قانونی به سلامتی دیگری حق ایراد صدمه را ندارد، حق آسیب رساندن به سلامتی روحی و لطمه به عواطف انسانی نیز وجود ندارد. حق مصونیت اشخاص از تعرض به عواطف و سلامتی روانی جزو حقوق مربوط به شخصیت افراد است. به این ترتیب مصادیقی از خسارت معنوی مانند خسارات معنوی ناشی از تدلیس در باروری‌های پزشکی که صراحتاً در قانون مسئولیت مدنی با سایر قوانین نیامده با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و نیز اطلاق و عموم ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نباید در لزوم جبران آن تردید نمود (پروین، ۱۳۸۰: ۱۷۸-۱۷۹).

۲. ماده ۲ ق.م.م. ایراد خسارت معنوی را اعم از اینکه همراه با خسارت مادی ایراد گردد یا به صورت مستقل وارد شود قابل رسیدگی دانسته است (نقیبی، ۱۳۸۱: ۲۳۴).

امکان‌پذیر است و در همین راستا آرای قضایی متعددی نیز وجود دارد که توسط مقام قضایی، حکم به جبران خسارت معنوی به روش‌های گوناگون صادر گردیده است؛ اما تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مقرر نموده است که مطالبه خسارت معنوی در جرایم مستوجب دیه منتفی است. این درحالیست که عمده اشتباهات در روند درمان ناباروری با عنایت به حدوث تقصیر یا قصور پزشکی از منظر کیفری قابل پیگیری و مجازات هستند و بسیاری از مصادیق نیز تخلف انتظامی تلقی می‌شوند. بنابراین اینکه می‌توان خسارت معنوی ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی را مطالبه نمود یا خیر سؤال اصلی است که به دنبال یافتن پاسخ آنیم. در مرحله بعد در صورت پذیرش جبران خسارت معنوی، اینکه روش‌های مطالبه تدارک خسارت کدامند محل تأمل است و در این میان رویه قضایی واحد و منسجمی وجود ندارد و حتی برخی محاکم حکم به عدم امکان مطالبه خسارت معنوی مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری صادر می‌نمایند.

تاکنون پژوهشگران و دکترین حقوقی صرفاً به مطالبه خسارت معنوی در سایر قراردادها پرداخته‌اند و درخصوص امکان مطالبه خسارت معنوی در قراردادهای باروری پزشکی، آرای صادره در این خصوص و امکان مطالبه خسارت معنوی علی‌رغم حکم تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. لذا پرداختن به موضوع مزبور از منظر رویه قضایی حائز اهمیت است و می‌تواند از صدور آرای متهاافت نیز جلوگیری نماید.

در ادامه به بررسی امکان مطالبه خسارت معنوی ناشی از وقوع اشتباه در باروری‌های پزشکی و روش‌های جبران آن از منظر نظام حقوقی و قضایی ایران و تحلیل تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌پردازیم و راه‌حل‌های حقوقی و قضایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. مفهوم و مصادیق خسارت معنوی در باروری‌های پزشکی

جهت بررسی خسارات معنوی در باروری‌های پزشکی بدو نیاز است که مفهوم و مصادیق آن را مطالعه نماییم. پس از شناسایی خسارت معنوی در انواع باروری پزشکی و طبقه‌بندی مصادیق آن، به‌نحو مطلوبی می‌توانیم روش‌های جبران خسارات معنوی در این قبیل روش‌های درمانی را ارزیابی نماییم.

۱-۱. مفهوم خسارت معنوی در حقوق ایران

خسارت معنوی در قوانین ایران تعریف نشده، درحالیکه در موادی از قانون مسئولیت مدنی بدان تصریح گردیده است. ماده ۱ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» همچنین در ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی

تصریح شده است: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.» بدین ترتیب آنچه در خسارت معنوی مهم است، زیان به حق شخصی است و باید حق خصوصی آسیب‌دیده باشد و از حقوقی باشد که مورد حمایت قانون است (رجبی و پیرهادی تواندشتی، ۱۴۰۳: ۹۹).

از طرفی برخی دکترین بر این باورند: «ضرر معنوی زیان ناشی از تجاوز به حقوق غیرمالی اشخاص است و بنا بر یک تعریف، عبارتست از جریحه‌دار شدن و لطمه‌خوردن به بعضی از ارزش‌ها که جنبه معنوی دارند (ابوالحمد، ۱۳۷۴: ۹).» برخی دیگر از اساتید حقوقی در تعریف ضرر یا همان خسارت معنوی گفته‌اند: «ضرری که به عرض و شرف کسی وارد گردد، مانند ضرر ناشی از افشای راز حرفه (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۵: ۳۸۷).» ملاحظه می‌گردد تعاریف مزبور جامع نیست؛ زیرا زیان‌های ناشی از ورود لطمه به عواطف و احساسات و درد و رنج را دربر نمی‌گیرد. بدین ترتیب خسارت معنوی ممکن است ناشی از لطمه و آسیب به اعتبار و حیثیت شخص یا به صورت درد جسمی یا صدمه روحی باشد، مثلاً به علت کویه شدن چهره یا بر اثر جریحه‌دار شدن عواطف و احساسات، مانند غم و اندوه ناشی از قتل یکی از خویشان نزدیک ایجاد شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

مشخصه بارز این قبیل خسارات آنست که از مقوله کمی نبوده و قابل اندازه‌گیری و جایگزینی با پول و امور مادی نیستند. این خسارت در این خصیصه با خسارات بدنی به معنای اخص مشترکند، ولی برخلاف آن‌ها قابل مشاهده و احراز عینی و تعیین درجه خسارت (همچون دیدن جراحت یا احراز شکستگی و یا ازدست‌رفتن عضو) نیستند و تنها عوارض آن قابل احراز و مشاهده است. صدمه و ضررهای معنوی ممکن است به مراتب از ضررهای مالی سنگین‌تر و طاقت‌فرساتر باشد. بدین ترتیب صدمه به دارایی معنوی ضرر تلقی می‌شود (بابائی، ۱۳۹۸: ۱۳۴-۱۳۵).

حتی برخی از حقوق‌دانان بر این باورند «یکی از مشکلاتی که نظام نوین مسئولیت مدنی با آن روبه‌روست، برآورد و ارزیابی خسارت معنوی (غیرمالی) ناشی از صدمات جانی است. این خسارات شامل رنج مصدومیت و عدم سلامت، درد ناشی از صدمه بدنی، از دست دادن لذت و خشنودی ناشی از سلامت و ... از امور کیفی و غیر کمی است و قابل اندازه‌گیری نیست. لذا تخصیص هر مقدار و بهایی برای آن فاقد معیار علمی و واقعی است. در برخی از نظام‌ها پس از احراز خسارات معنوی و غیراقتصادی، تعیین میزان آن را به نظر قاضی سپرده‌اند و در برخی دیگر به هیات منصفه و در برخی نظام‌های حقوقی، در فقدان معیار اندازه‌گیری و تعیین خسارت معنوی،

ارقام نجومی برای جبران این خسارات لحاظ شده است. همین امر موجب بروز مشکلاتی در سیستم حقوقی برخی کشورها (مانند افزایش سرسام‌آور حق بیمه و هزینه‌های پزشکی) شده که از آن به بحران مسئولیت مدنی تعبیر شده است. دیه به عنوان ارشادی از سوی شارع مقدس می‌تواند به بهترین وجه، راه حلی در این وادی حیرت به شمار رود و به عنوان امری تعبدی در مقابل خسارات غیراقتصادی و غیرقابل تقویم مالی ملحوظ گردد. بدین ترتیب دیه را می‌توان معادل مالی خسارات غیراقتصادی ناشی از صدمات از جمله خسارت معنوی به شمار آورد (بابایی، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۳)».

با عنایت به تعاریف دکترین نکته حائز اهمیت آنست که خسارت معنوی به اقتضای زمان و یا مکان ورود ضرر و زیان و حتی نوع عقد یا قرارداد می‌تواند متفاوت باشد و چون امری روحی و درونی است تشخیص آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۲-۱. مصادیق خسارت معنوی در حقوق ایران

خسارات معنوی با عنایت به اینکه مربوط به حقوق و دارایی‌های معنوی افراد است طیف وسیعی را در برمی‌گیرد و به سهولت قابلیت تقسیم‌بندی ندارد و علاوه بر آن تمامی مصادیق آن نیز قابل جبران به نظر نمی‌رسند و بعضاً حتی ناشناخته باقی می‌مانند. اما به‌طور کلی خسارت یا ضرر معنوی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود که عبارتند از: ۱. زیان‌های وارد به حیثیت و شهرت یا به‌طور خلاصه آنچه در زبان عرف، سرمایه یا دارایی معنوی شخص است. ۲. لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی شخص و جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف وی، مانند غم و اندوه (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۴۴-۲۴۵) و تألمات روحی ناشی از اشتباه در روند درمان ناباروری، مانند تغییری که در هورمون‌ها پدیدآمده و در پی آن تغییرات ظاهری حادث گردیده‌است یا تأثر روحی شخص که با ازدست‌دادن چنین هدایی یا ملاحظه درد و رنج طفل معلول ناشی از اهدا و ناامیدی از زندگی نظاره می‌کند.

همچنین محرومیت طفل از داشتن خانواده و حضور پدر و مادر اهداگیرنده در کنار وی و عدم برخورداری از حمایت‌های ایشان، در صورتی که خانواده اهداگیرنده حضانت طفل معلول یا مبتلا به بیماری مزمن را نپذیرند، صدمات روحی جدی است که قابل جبران به نظر نمی‌رسد. بدین ترتیب با عنایت به اصل محرمانگی حاکم بر اهدای گامت یا رویان در مراکز درمانی مصداق اول خسارت معنوی در انواع باروری پزشکی منتفی به نظر می‌رسد و صرفاً مصداق دوم خسارت معنوی در باروری‌های پزشکی مطرح است.

۳-۱. رویه‌های قضایی حاکم در خصوص مطالبه خسارت معنوی

در آرای محاکم نیز مسئله خسارت معنوی مورد توجه قرار گرفته است؛ اما امکان استخراج رویه قضایی در بسیاری از فروع و مصادیق خسارات معنوی، میسر نیست (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲:

۳۵۲). در احکام متعدد صادره خسارت معنوی مستقلاً مورد حکم قرار نگرفته و تحت عناوین دیگر خسارات و مشخصاً خسارت بدنی، لحاظ گردیده و حکم به تدارک آن داده شده است. البته در مصادیق محدودی خسارت معنوی به رسمیت شناخته شده و مورد حکم قرار گرفته و در مواردی نیز تقاضای جبران خسارت معنوی منتفی دانسته شده است.

رویکرد اول امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه از جمله امکان مطالبه خسارت معنوی است که برخی از فقهای معاصر نیز بر این عقیده‌اند و استدلال آن‌ها بدین ترتیب است که بنابر بنای عقلا، قاعده تسبیب، لاضرر و نفی عسر و حرج، مطالبه خسارت مازاد بر دیه، در صورتی که دیه خسارات مادی و معنوی را تماماً پوشش ندهد، میسر است (مرعشی نجفی و شیرازی، ۱۳۹۷: ۱۸۷-۱۹۶). همچنین حقوق دانان نیز با این استدلال که دیه حداقل خسارتی است که بر اثر ورود زیان قابل مطالبه است و مازاد بر آن در صورت اثبات قابل مطالبه است. بدین ترتیب اگر خسارت وارده کمتر از میزان دیه باشد، عامل زیان بایستی دیه مقدر را بدهد و نمی‌تواند از میزان دیه کسر نماید. اما در صورتیکه دیه کفاف تمامی خسارات و مخارج زیان دیده را ننماید، خسارت مادی و معنوی زاید بر دیه قابل مطالبه است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۵-۵۹).

نظریه مزبور در آرای قضایی و نظریات مشورتی متعددی انعکاس یافته و مورد قبول واقع شده است. به‌عنوان نمونه رأی اصراری مورخ ۱۳۷۵/۴/۵ (شماره ۶ و ردیف ۳۶/۷۴) دیوان عالی کشور که چنین استدلال نموده است: «بحث اساسی در دیه این است که آیا دیه کل ضرر و زیانی است که به مدعی خصوصی وارد می‌شود، یا این که بدل از جرم است. لذا با توجه به اینکه ضرر و زیان‌ها بسته به مورد، اختلاف بهای فاحشی دارند نمی‌توان ضرر و زیان را به صورت جزمی و ثابت در نظر گرفت و از خسارات مازاد بر آن چشم پوشید. دلیل دیگر موافقان نظریه مزبور این بود که گاهی ممکن است فعل واحد، ضرر و زیان متعدد را به دنبال داشته باشد و شارع مطالبه خسارات متعدد را نفی نکرده است.» همچنین رأی صادره در خصوص امکان مطالبه خسارت معنوی علاوه بر دیه، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۸۰۲۲۷۲۰۰۷۹۱ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ است که قضات ارجمند دادگاه تجدیدنظر بر این عقیده بودند: «در صورتی که شخصی بر اثر مسامحه پزشک در امر درمان دچار آسیب جسمی و روحی شده و رابطه سببیت محرز باشد؛ علاوه بر دیه، بر اساس قواعد تسبیب، لاضرر، نفی حرج و قواعد معدلت و منصفت، خسارات مازاد بر دیه اعم از مادی و معنوی از پزشک قابل مطالبه است.» دیدگاه مزبور به درستی بر امکان مطالبه خسارت معنوی مازاد بر دیه مبتنی بر قانون مسئولیت مدنی، قواعد لاضرر و نفی حرج تاکید دارد که منطبق بر عدالت و انصاف است. لذا فرض حقوقی کفایت ضرر به میزان دیه که خلاف آن قابل اثبات نباشد، قابل پذیرش نیست.

دسته دیگری از آرای صادره محاکم در خصوص خسارت معنوی که به نحوی مرتبط با خسارت جانی هستند، این قبیل خسارات را ملحق به خسارات جانی دانسته و در این موارد با تعیین دیه و ارش، جبران خسارت دیگری را برای درد و رنج و همچنین تالمات جسمی و روحی ناشی از خسارت بدنی نپذیرفته‌اند. مهم‌ترین دلیل این گروه آن است که شارع در ادله مربوط به دیه در مقام بیان بوده و صرفاً به پرداخت دیه تصریح کرده و نسبت به پرداخت مازاد بر دیه سکوت نموده و به مازاد بر دیه حکم نشده است. علاوه بر آن در پاره‌ای از روایات آمده که جانی و مجنی‌علیه می‌توانند در خصوص مقدار دیه نسبت به مبلغ کمتر یا بیشتر مصالحه کنند و یا قصاص را به دیه تبدیل نمایند؛ بدون اینکه به خسارت مازاد بر دیه و هزینه‌های معالجه و اقسام آن تصریح شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ۳۵۸-۳۵۷). حتی برخی از علما بر این عقیده‌اند: وقتی نصوص وارده به صراحت در خصوص تعیین میزان دیه، به بهبودی کامل جراحات یا بهبودی آن همراه با بقای عیب و یا عدم بهبودی جرح توجه نموده و با وجود این، به هزینه‌های درمانی تصریح ننموده و به پرداخت دیه بسنده کرده، این امر به منزله تصریح به عدم ضمان و مسئولیت نسبت به هزینه‌های درمان است (شفیعی سروستانی و دیگران، ۱۳۷۶: ۳۰۸). همچنین برخی از حقوق‌دانان استدلال کرده‌اند «دیه به اعتبار اینکه تعویض شرعی است، تمامی زیان‌های بدنی را می‌پوشاند؛ از ناتوانی مداوم، تفویت منفعت، زایل کردن جمال و دردها و جز این‌ها از ضررهای تن. و با دیه به هزینه‌های معالجه حکم می‌شود؛ از اجرت پزشک، بهای داروها و خسارت مالی ناشی از عجز در کسب و کار در خلال مدت معالجه (ادریس، ۱۳۷۷: ۳۵۲)». لذا دیدگاه مزبور مبتنی بر مبانی معنونه امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه از جمله خسارت معنوی را منتفی می‌داند.

اما نکته حائز اهمیت آنست که بر فرض بپذیریم ادله باب دیات نسبت به جبران خسارات علاوه بر دیه از قبیل هزینه درمان و از کارافتادگی ساکت است، این سکوت شاید به این دلیل بوده که هزینه‌های مزبور در آن زمان اندک و ناچیز بوده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۱۴۲-۱۴۶)؛ درحالی‌که هزینه‌های درمان درحال حاضر با توجه به پیشرفت علم پزشکی افزایش بسیاری یافته و دیه پاسخ‌گوی جبران بسیاری از مخارج و هزینه‌ها نیست و رویه قضایی نیز در خصوص پرداخت هزینه‌های درمان، اصل را بر قابل مطالبه بودن آن نهاده است.

از نمونه آرای که طبق نظریه فوق صادر گردیده‌اند، می‌توان به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۹/۳۰ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران تصریح نمود که راجع به هموفیلی‌ها دادگاه بدوی برای خسارت معنوی وارده مبلغی مجزا از دیه و ارش لحاظ نموده بود. اما در مرحله تجدید نظر رأی صادره نقض شد و به دلیل لحاظ دیه یا ارش برای

خسارت بدنی، پرداخت مبلغ اضافی را به عنوان خسارت معنوی ناشی از خسارت جانی مردود شمرده است و بدین نحو استدلال گردیده است که در مورد آسیب‌های جسمانی و درد و رنج و تألمات روحی ناشی از آنکه از مصادیق خسارت معنوی هستند، دیه و یا ارش به عنوان تنها وسیله جبران خسارت از سوی مقنن تعیین گردیده است. لذا زیان‌دیده مستحق مطالبه و دریافت مبلغی به عنوان جبران خسارت معنوی علاوه بر دیه یا ارش تعیین شده، نمی‌باشد و فاقد وجاهت شرعی و قانونی است.

رویه دیگری هم که در محاکم جاری است، در مورد مصادیق دیگر خسارت معنوی است که در برخی آرا مسئولیت مدنی و تکلیف به پرداخت بابت خسارت معنوی، به علت وجود مشکل در نحوه ارزیابی خسارت و پرداخت مبلغ جهت جبران و عدم پذیرش موضوع در حقوق ایران، مردود دانسته شده است. از جمله آرای صادره، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۷۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۰ صادره از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران است که مقام قضایی خسارت معنوی را برابر قوانین موضوعه جاری قابل مطالبه ندانسته، یا حداقل ملاک ارزیابی برای آن را ممتنع دانسته است.

اینکه ملاک دقیق ارزیابی خسارت معنوی چیست و شامل چه مواردی می‌باشد، نمی‌تواند مانع مطالبه آن گردد. به عبارتی ارجاع به روان‌شناسان، روان‌پزشکان و یا کمیته‌ای متشکل از روان‌درمان، روان‌پزشک، مشاور خانواده و... و مطالبه نظریه در خصوص ارزیابی تقریبی خسارت و ضرر معنوی، می‌تواند ملاک ارزیابی قرار گیرد؛ درحالی‌که محرومیت از مطالبه ضرر معنوی به دلیل اینکه امکان ارزیابی ممتنع است، بی‌شک موجه به نظر نمی‌رسد.

۲. انواع خسارات معنوی ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی

همانگونه‌که تصریح گردید، عمده خسارت معنوی ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی از شق درد و رنج و تالم ناشی از سقط یا تولد نوزاد معیوب، ناقص‌الخلقه و یا مبتلا به بیماری مزمن است. به عبارتی تحمل درد و رنج ناشی از آسیب جسمی (مانند بیهوشی مجدد و درد ناشی از اعمال جراحی متعدد) در صورت تکرار جراحی حسب ضرورت، تحمل سختی‌های روحی دوران بارداری تحمیلی چندقلویی و زایمان و حتی سقط اجبار، تحمل درد و رنج، پریشانی عاطفی پرورش و نگهداری طفل بیمار یا معلول، آسیب‌های روانی که بعضاً نیاز به درمان و مشاوره روان‌پزشکی دارد و همچنین محرومیت از حق حیات سالم برای طفل با بیماری ناشی از اشتباه پزشکی (برومند و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۱-۵۲) از جمله خسارات معنوی ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی است. بدین ترتیب در باروری‌های پزشکی نیز مصادیق خسارات معنوی بسیار متعدد است و بعضاً امکان تقسیم‌بندی دقیقی وجود ندارد و نمی‌توان مصادیق اصلی و فرعی را مورد مطالعه قرار داد. لذا جهت مطالعه خسارات معنوی وارده بر اهداگیرنده، طفل و یا هر دو مهم‌ترین و عمده‌ترین خسارات در ادامه بررسی خواهد شد.

۱-۲. خسارت معنوی ناشی از تأملات روحی و روانی سقط جنین

این قبیل خسارت معنوی به اهداگیرنده وارد می‌شود. آن هم مربوط به مصادیقی است که ناشی از اشتباه هیأت درمانی و یا در موارد معدودی اهداگیرنده، جنین اهدایی سقط می‌گردد که می‌تواند در قالب سقط خود به خودی و یا سقط درمانی باشد. خسارت معنوی ناشی از آن نیز عمدتاً به دلیل تغییرات هورمونی و از دست دادن فرزند است که آسیب‌ها و تألمات جدی روحی را به اهداگیرنده وارد می‌آورد. زوجینی که با امید بسیار به مرکز درمان ناباروری مراجعه نموده و پس از طی مراحل درمانی متعدد و با صرف هزینه و زمان بسیار، به درمان با روش اهدای جنین رسیده و به شروع درمان آی وی اف^۱ رضایت داده است، در روند درمان با حدوث اشتباه جنینی که در رحم پرورش یافته به یک باره از بین برود، مسلماً آسیب جدی روحی و روانی را برای زوجین اهداگیرنده به همراه دارد و جبران و تدارک این قبیل خسارات زمان‌بر و پیچیده است.

۲-۲. خسارت معنوی ناشی از ابتلا به بیماری‌های مزمن یا معلولیت اهداگیرنده یا طفل

این قبیل خسارات معنوی به طفل، اهداگیرنده و یا هر دو وارد می‌شود و به طور کلی هر فردی که مبتلا به بیماری مزمن و یا معلولیت می‌گردد؛ مانند دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۱۸۶ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۳ که علاوه بر طفل، به درستی والدین را نیز مستحق مطالبه خسارت معنوی دانسته است (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲: ۱۹۲-۱۹۳). بدین ترتیب خسارت معنوی نیز عمدتاً متوجه بیمار یا معلول است؛ هر چند به خانواده وی نیز خسارت معنوی و تألمات روحی و روانی جدی وارد می‌گردد؛ زیرا اهداگیرنده نیز منتظر تولد طفلی سالم بوده اما نوزاد معلول و بیمار متولد شده است. زوجین اهداگیرنده با مراجعه به مراکز درمانی حداقل انتظاری که دارند عبارتست از رعایت اصول و قواعد علم پزشکی برای دارا شدن و تولد فرزند سالم. حال اگر در این میان اشتباهی حادث شود که منجر به معلولیت اهداگیرنده و یا طفل ناشی از اهدا شود مسلماً تدارک خسارت معنوی ضروری می‌نماید.

۳-۲. خسارت معنوی ناشی از عدم تعلق طفل به خانواده در صورت حدوث اشتباه در ماهیت

قرارداد

این قبیل خسارات معنوی در روند لقاح آزمایشگاهی و یا در مرحله انتقال یا کاشت در رحم صورت می‌گیرد. بحران هویت طفل ناشی از اهدا و احراز نسبی که در معرض چالش جدی قرار گرفته، فشار جدی روحی و روانی را به طفل وارد می‌نماید؛ زیرا اشتباه هیأت درمانی وی را از تعلق به زوجینی که جهت درمان ناباروری به روش همگن و بدون دخالت ثالث به مرکز درمانی مراجعه

کرده بودند، محروم می‌نماید. هرچند درد و رنج روحی متوجه اهداگیرنده نیز می‌گردد اما امکان بارداری مجدد برای زوجین وجود دارد.

داشتن خانواده و دارا بودن هویت مشخص مسلماً در رشد و تعالی هر فرد و آرامش روحی و روانی وی مؤثر است. این درحالیست که محرومیت طفل از دارا بودن خانواده‌ای که از منظر بیولوژیکی و خونی متعلق به آن باشد، آسیب جدی روحی و روانی تلقی می‌شود و تا پایان زندگی همراه وی است. به عبارتی یکی دیگر از مصادیق خسارت معنوی، سرخوردگی و فشارهای روانی ناشی از عدم دارا بودن خانواده بیولوژیکی و خونی است که هدف از جبران آن، فراهم آوردن آرامش خاطر و منفعت عاطفی و روانی متعهدله است، درحالیکه جبران این نوع خسارت عمدتاً منتفی است.

بنابراین ضرر معنوی ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد و شامل درد و رنج روحی و عاطفی، عدم بهره‌مندی از لذت زندگی و با خانواده زیستن، خسارات روحی زیان‌دیدگان غیرمستقیم (مانند درد و رنج روحی ناشی از معلولیت و بیماری مزمن طفل ناشی از باروری پزشکی یا مادر اهداشونده) و ... می‌گردد. اصل جبران کامل خسارات نیز اقتضاء می‌کند تا خسارات زیان‌دیده کاملاً جبران شود و او تا حد امکان به وضعیت قبل از وقوع حادثه زیان‌بار برگردانده شود (ایزنلو و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۳)؛ لذا حتی المقدور خسارات معنوی نیز بایستی جبران شوند.

لازم به ذکر است در حقوق ما، به عنوان قاعده‌ای کلی خسارت معنوی فارغ از نقض قرارداد یا عدم آن قابل مطالبه است و تفکیک میان تألم ناشی از نقض قرارداد و خسارت معنوی وجهی ندارد. این مهم در قراردادهای باروری پزشکی که طفل ناشی از اهدا طرف مستقیم قرارداد نبوده و پس از تولد، خسارت معنوی را متحمل می‌شود، مطمح نظر است؛ زیرا موضوع اصلی قرارداد درمان ناباروری، تولد طفل و وی محور انعقاد قرارداد تلقی می‌گردد و نمی‌توان مانند سایر قراردادها قائل به اراده متعاقدين شد و مصالح طفل را نادیده انگاشت.

بنابراین خسارات معنوی در باروری‌های پزشکی در صورت بروز خطا و اشتباه که عمدتاً از جانب کادر درمان حادث می‌گردد و در نظام حقوقی ایران، به رسمیت شناخته شده و قابل جبران است.

۳. روش‌های جبران خسارت معنوی ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی

شیوه‌های جبران خسارات معنوی، روحی و روانی به زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان در صورت وقوع اشتباه در باروری‌های پزشکی بایستی مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد. علت اهمیت بررسی شیوه‌های تدارک خسارات معنوی آن است که این قبیل خسارات بعضاً جلوه عینی ندارند و نمی‌توان به راحتی ورود ضرر و زیان معنوی را تشخیص داد و همچنین ذات قراردادهای باروری پزشکی جبران خسارات معنوی وارده را تا حدودی دشوار می‌نماید و نمی‌توان از عمومات شیوه‌های جبران خسارات معنوی

در سایر عقود در این قراردادها بهره برد.

به عبارت دیگر درج حکم در جراید و یا عذرخواهی به عنوان روش‌های جبران خسارت معنوی ناشی از اشتباه و خطا در روند درمان ناباروری محمولی ندارد (صادق‌نیا و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۱۵).
قاعده کلی در روش‌های جبران خسارت معنوی آن است که شیوه‌های مزبور بایستی به گونه‌ای باشد که آثار زیان را از بین ببرند و در صورتی که از بین بردن آثار زیان ممکن نباشد، باید به شیوه‌های جبران معادلی بسنده نمود (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۳۸).

لازم به ذکر است با وجود اینکه در نظام فقهی روش شناخته‌شده‌ای برای جبران خسارت معنوی وجود ندارد، اما طرق متداول جبران خسارت معنوی در ایران به شیوه‌های مالی و غیرمالی، از منظر فقهی نیز مقبول و از سکوت و عدم ردع شارع، می‌توان مقبولیت طرق مزبور را دریافت. این درحالیست که در قوانین ایران طرق مختلفی برای جبران خسارات از جمله ضرر و زیان معنوی مستند به مواد ۳ و ۵ قانون مسئولیت مدنی مقرر شده است.

بدین ترتیب مقام قضایی نیز در چهارچوب قانون، با بررسی اوضاع و احوال، وضعیت طرفین و نوع ضرر، میزان ضرر، شرایط اجتماعی زیان‌دیده و واردکننده زیان و همچنین رعایت عرف و عادت، خسارات را تعیین و تقویم نماید (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۲۰).

لذا در ادامه به بررسی شیوه‌های جبران خسارات معنوی در صورت حدوث اشتباه در باروری‌های پزشکی می‌پردازیم.

۳-۱. جبران مادی خسارت معنوی ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی

اصل جبران کامل خسارات، واردکننده زیان را ملزم می‌نماید که خسارت معنوی را نیز در کنار سایر ضررها، جبران نماید؛ اما آنچه میان اندیشمندان و محاکم موجب ابهام و اختلافات جدی شده، امکان و نحوه جبران آن به طرق مادی است (فهرستی و فصیح‌رامندی، ۱۳۹۰: ۵۳).

به عبارتی پرداخت خسارت معنوی در قالب وجه نقد نیز با مخالفت‌هایی مواجه گردیده است. استدلال مخالفان بر این مبناست که موضوع زیان‌های معنوی اموری غیرمادی و نامحسوس است و ارزیابی میزان اینگونه زیان‌ها برای قاضی و دادرس به‌نحوروشن و واقعی غیرممکن است. لذا دادرس در مقام برآورد میزان این نوع زیان ناچار باید بر اساس میزان تقصیر که ممکن است سبب یا سنگین و حسب مورد و به ترتیب، باعث ورود خسارت سنگین یا سبب بشود، اقدام نماید که این امر نیز سبب می‌شود که یا برخی از خسارات جبران نشده باقی بمانند (منصوری، ۱۴۰۱: ۳۳۹) یا متضرر و مدعی، سودی بیش از مقدار زیان وارده، تحصیل نماید که هر دو، برخلاف هدف مسئولیت مدنی که جبران خسارت وارده و اعاده‌وضع متضرر به حال قبل از تحمل خسارت است، می‌باشند

(نجفی فتاحی، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۴).

حتی بسیاری از مخالفان جبران خسارت معنوی، در اصل تدارک ضرر معنوی مخالفی نداشته‌اند اما با جبران مادی خسارت معنوی مخالف هستند. ایراداتی که تا کنون مطرح گردیده را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود که عبارتند از: ایرادات نظری، فنی و اخلاقی.

برخی ایرادات نظری عبارتند از: ۱. عدم امکان ارزیابی میزان ضرر معنوی ۲. عدم امکان معادل‌سازی آن با پول ۳. عدم امکان بازگشت به حالت سابق با دادن مال ۴. عدم امکان از بین بردن اثر عمل زیان‌بار ۵. عدم سنخیت و مماثلت میان ضرر و معادل مالی آن (نقیبی، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

درحالی‌که صرف عدم پذیرش جبران خسارت معنوی به دلیل عدم امکان ارزیابی آن، وجهی ندارد و نمی‌توان برخلاف ضرر مسلمی که به زیان‌دیده وارد شده، هر چند خسارت روحی و روانی، تدارک آن را منع نمود.

ایراد فنی یا به عبارتی تخصصی نیز همان شیوه یا روش‌های ارزیابی خسارت معنوی است که از پیچیدگی خاصی برخوردار می‌باشد و امری فوق‌العاده دقیق است و همچنین از مؤلفه‌های متعددی تشکیل می‌شود. به عبارتی ارزیابی و سنجش میزان خسارت معنوی بر اساس نظر هر یک از قضات متفاوت می‌شود و همین امر باعث بروز دیدگاه‌های متفاوت و عدم وحدت رویه قضایی خواهد بود و در موارد مشابه آرای کاملاً متعارضی صادر می‌گردد (حسینی نژاد، ۱۳۹۲: ۳۰۳). ایراد مزبور نیز قابل رفع است. به عبارتی می‌توان با استفاده از کمیسیون‌های متشکل از روان‌شناسان، روان‌پزشکان و مشاوران مددکاری و همچنین قضات در اول هر سال جدولی تنظیم نمود و در آن میزان خسارت تقریبی هر یک از آسیب‌های روحی و روانی که احتمال حدوث بیشتری را دارد، پیش‌بینی نمود. به عبارتی توافق ضمنی بر میزان خسارت معنوی در نظام حقوقی شکل می‌گیرد که از صدور آرای کاملاً متعارض جلوگیری می‌نماید.

از جمله ایرادات اخلاقی که برخی مخالفان مطالبه خسارت معنوی مطرح می‌نمایند، ناشی از این دیدگاه است که تدارک خسارت معنوی با مطالبه وجه نقد یا مطالبه مادی و مالی از اخلاق به دور است. این ایراد نیز قابل خدشه است؛ زیرا جبران خسارت معنوی از باب تشفی خاطر و رضایت زیان‌دیده صورت می‌گیرد و پرداخت وجه نقد در صورت مطالبه زیان‌دیده مبتنی بر اصول مسلمی همچون لاضرر و لاجرح، ضروری و مبتنی بر اصول اخلاقی است.

مبرهن است طرق جبران خسارت معنوی را نمی‌توان حصری دانست و به عبارت دیگر طرق جبران این قبیل خسارات، طریقت دارند و موضوعیتی برای آن‌ها متصور نیست. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی نیز به این مهم تصریح می‌نماید که ممکن است کیفیت و نحوه جبران خسارت با

توجه به مقتضای هر قرارداد و توافق میان طرفین متفاوت باشد. رأی مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ به شماره دادنامه قطعی ۹۱۰۹۹۸۰۲۲۷۲۰۰۷۹۱، با استناد به مواد ۱، ۲، ۳ و ۵ از قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین بناء عقلاء، فاعل زیان را مکلف به جبران ضرر اعم از مادی و معنوی در قالب وجه نقد بر حسب نظریه کارشناسی نموده است.

فارغ از ایرادات مطروحه در خصوص جبران مادی خسارت معنوی می‌توان اذعان داشت در صورت سقط جنین اهدایی یا متعلق به زوجین به علت حدوث اشتباه در روند درمان، بر اساس وحدت ملاک از ماده ۳۲۸ قانون مدنی می‌توان جهت جبران خسارت معنوی هزینه مجدد اهدای جنین و روند انتقال آن را بر عهده واردکننده زیان قرار داد. در صورتی هم که زیان دیده اهدای مجدد جنین و تکرار روند درمان را نپذیرفت، در صورت موافقت وی پرداخت خسارت معنوی از طریق پرداخت وجه نقد باشد.

نکته حائز اهمیت آن است که در صورتی که جبران خسارت زیان دیده و تشفی خاطر وی، در قالب پرداخت وجه نقد باشد و وی به این امر رضایت داشته باشد، امکان صدور حکم به جبران نقدی خسارت معنوی ارجح است.

همچنین با عنایت به ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در قالب پرداخت مبلغی پول مجاز دانسته شده است؛ ولی این امر مانع از آن نیست که محاکم طرق دیگری را برای جبران خسارت معنوی پیش‌بینی نمایند.

به عنوان قاعده کلی، بهترین ملاک تقویم این نوع خسارات، تقسیم‌بندی اقسام خسارات معنوی و تعیین میزان حداقل و حداکثر مبلغ پرداختی و تفویض اختیار به مقام قضایی برای تعیین میزان خسارت در این محدوده با توجه به مجموعه‌ای از متغیرها و عوامل مؤثر از جمله موقعیت اجتماعی، شخصیت، جنسیت، سن و سایر ویژگی‌های زیان دیده و نوع خسارت معنوی وارده است.

۳-۲. حمایت‌های روحی و روانی زیان دیده

در باروری‌های پزشکی در نتیجه تشخیص اشتباه در مبتلا بودن جنین یا اهداگیرنده به بیماری‌های مزمن و انتقال آن به هر یک از آنها از جانب دیگری، امید به زندگی و حیات طفل یا اهداشونده با معضلات جدی مواجه خواهد شد. همچنین اگر در محیط آزمایشگاهی در مراحل مختلف درمان از جمله انجماد تا ذوب و کاشت، ویروس یا باکتری به جنین یا گامت اهدایی منتقل و باعث بروز آسیب‌های جدی به سلامت جنین شود، خانواده اهداگیرنده و طفل ناشی از اهدا نیز درگیر خسارات روحی و روانی می‌شوند. بدین ترتیب ابتلای اهداشونده یا طفل، صرفاً زندگی یک نفر را با خسارات متعدد معنوی مواجه نمی‌نماید؛ بلکه زندگی خانواده متقاضی اهدا و طفل توأمان

در معرض آسیب‌های معنوی قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب زیان‌دیده می‌تواند متعدد باشد و خانواده‌اها گیرنده و طفل توأمان نیازمند حمایت‌های روحی و روانی باشند.

نحوه جبران خسارت معنوی نیز علی‌رغم اینکه می‌تواند در قالب پرداخت وجه نقد باشد، از طرق دیگری همچون روان‌کاوی و آمادگی مجدد روحی و روانی برای آغاز درمان ناباروری در صورت آمادگی جسمی اهداگیرندگان میسر است. به عبارتی خسارت معنوی ناشی از اشتباه مؤثر در باروری‌های پزشکی بسیار جدی‌تر از سایر قراردادها و توافقات است و آن هم به دلیل ماهیت ویژه قراردادهای درمان ناباروری با کمک فناوری‌های پزشکی است. با این حال ضروری است ضابطه‌ای مقرر گردد که ضمن شناسایی آسیب‌های روحی و روانی جدی و مزمن، به‌عنوان آسیب قابل جبران، از بروز تعداد زیاد دعاوی قضایی ناشی از تألمات روانی ساده و گذرا که واکنش عادی به فرازوفرودهای زندگی روزمره هستند، جلوگیری نماید (صفایی معافی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۷۰).

بنابراین دستیابی به آمادگی مجدد روحی و روانی پس از وقوع اشتباه مؤثر، جبران خسارت معنوی است و می‌توان مجدداً روند درمان ناباروری را آغاز نمود. البته این نوع جبران خسارت چندان مورد استقبال نظام قضایی قرار نگرفته است؛ زیرا حمایت روحی و روانی نیازمند شروع مجدد فرآیند درمان است و احراز آن و ابعاد متفاوتی که دارد چندان امر سهل و ممتنعی نیست.

لازم‌به‌ذکر است سایر روش‌های جبران خسارات در خصوص ضرر معنوی جایگاهی ندارد؛ اعاده وضع سابق و یا جبران به روش عینی با عنایت به ماهیت قراردادهای باروری پزشکی نمی‌تواند مطمح‌نظر قرار داد. به عبارتی جبران عینی، امحای زیان تلقی می‌شود چراکه در این روش جبران خسارت به‌نحوی است که موقعیت زیان‌دیده به وضع قبل از بروز خسارت بر می‌گردد (نیک‌نژاد و مظلوم‌رهنی، ۱۴۰۲: ۲۸۰) که در باروری‌های پزشکی عملاً منتفی است.

۴. مطالبه خسارت معنوی ناشی از اشتباه در باروری پزشکی و تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری

یکی از ابهامات اساسی که پیشروی مطالبه خسارت معنوی است، تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری است. قانون آیین دادرسی کیفری به‌عنوان یک قانون شکلی است و اینکه یک حکم ماهوی در قانون شکلی مقرر شود، محل تأمل است. برخی از مصادیق اشتباه در باروری‌های پزشکی ممکن است منجر به آسیب و به تعبیر دیگر منجر به تلف یا صدمه بدنی گردد که در این صورت جرم و مشمول ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی تلقی می‌شود.

ابهام اصلی نیز این است که در صورت حدوث جرم تعزیری مستوجب دیات ناشی از اشتباه در باروری‌های پزشکی، تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری امکان مطالبه خسارت معنوی را

منتفی دانسته است. در اینصورت بی‌تردید با عنایت به تحولات اخیر و فناوری‌های نوین اصلاح تبصره مزبور ضروری است. البته برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که زیان‌های مالی ناشی از خسارت بدنی در حد معمول و به شکل ساده تحت شمول دیه بوده و خسارت‌های فراتر از حد معمول و متعارف، در کنار دیه قابل مطالبه است، خواه زیان‌های مذکور مازاد بر دیه باشد یا کمتر از آن که از جمله آنها خسارت معنوی است (کریمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۷۵).

به علاوه منسوخ دانستن مواد ۳، ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی به موجب تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری موجه نیست و حتی در آرای متعدد محاکم به تمامی مواد مزبور استناد شده است. لذا برای جمع میان مطالبه خسارت معنوی و دیه می‌توان راهکاری را ارائه نمود تا زیان‌دیده نیز متضرر نگردد. به عبارتی می‌توان خسارات معنوی که از مقوله روحی و روانی است و نیازمند حمایت نظام قضایی و قانونی می‌باشد و در قالب جبران خسارت به شیوه مادی و حمایت‌های معنوی قابل تدارک است را زیرمجموعه هزینه‌های درمانی و به‌طورکلی در حکم خسارات مادی در نظر بگیریم. در اینصورت با عنایت به تبصره فعلی و عموماً قانون مسئولیت مدنی امکان جمع خسارت معنوی و دیه میسر می‌شود. از سوی دیگر در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری «پرداخت» خسارت معنوی را قابل جمع با دیه ندانسته است؛ درحالیکه اگر جبران خسارت معنوی از نوع پرداخت مادی و در قالب وجه نقد نباشد و به عبارتی صرفاً شامل حمایت‌های معنوی از قبیل برگزاری جلسات روان‌کاوی متعدد و ... باشد، با منع قانونی مواجه نخواهد بود. لذا جمع میان حمایت‌های معنوی به‌عنوان یکی از طرق جبران خسارت معنوی و دیه مبتنی بر قانون است و با تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری تعارضی ندارد.

نتیجه

در باروری‌های پزشکی با عنایت به ماهیت آن، ارزیابی و نحوه جبران خسارات وارده ناشی از اشتباه و خطا در باروری‌های پزشکی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان شدت برخی خسارات و ضریب اثرگذاری آن می‌تواند به حدی بغرنج باشد که تمامی ابعاد زندگی فرد را به‌صورت مادام‌العمر تحت الشعاع قرار دهد.

یکی از انواع خسارات و به عبارتی مهم‌ترین نوع خسارت ناشی از وقوع خطا و اشتباه در روند درمان ناباروری، ضرر معنوی است. ضرر معنوی را می‌توان با توجه به متعلق آن ذیل دو قسم بررسی نمود، یکی کسر حیثیت و اعتبار و دیگری صدمات روحی و روانی. در باروری‌های پزشکی قاعداً قسم اول موضوعیت ندارد. علت این مسئله آن است که اصل محرمانگی در روند درمان ناباروری و پزشکی به عنوان یک اصل مسلم لحاظ می‌گردد و اکنون نیز در قوانین و مقررات مربوطه مورد تأکید

قرار گرفته و مجرا است. همچنین فارغ از اصل مزبور، ماهیت و ذات درمان ناباروری به حیثیت، عرض و اعتبار اهداگیرنده و یا اهداکننده ارتباطی ندارد. لذا صرفاً قسم دوم در قالب صدمات روحی و روانی مطمح نظر است.

آسیب روحی و عاطفی حاد در صورت وقوع اشتباه مؤثر و سقط جنین یا مرگ طفلی که سالیان طولانی زوجین منتظر تولد وی بودند، می‌تواند جدی‌ترین نوع خسارت معنوی تلقی گردد. این درحالیست که بیماری مزمن طفل و یا معلولیت وی ناشی از اشتباه پزشکی نیز قابل اغماض نیست و کیفیت زندگی طفل ناشی از اهدا را درگیر می‌نماید.

بدین ترتیب شناسایی اقسام ضررهای معنوی ناشی از باروری‌های پزشکی و به رسمیت شناختن هر یک از آن‌ها مسلماً گام نخست در راستای جبران خسارت معنوی است. در وهله بعدی نیز وحدت ملاک قانونی و قضایی در مواجهه با آسیب‌های روحی و عاطفی ضروری است تا از صدور آرای متشتت جلوگیری به عمل آید و ضرر وارده به نحو مطلوبی جبران گردد؛ درحالیکه در حال حاضر آرای متهافتی در خصوص جبران خسارت معنوی صادر می‌شود و رویه‌های متفاوتی در محاکم جاری است. بی‌شک فناوری‌های نوین به مقتضای زمان و پیشرفتی که دارند، در بردارنده خسارات متفاوت و متعددی هستند که بایستی نظام قانونی و قضایی پاسخ‌گوی آن‌ها باشد و به موازات پیشرفت آن‌ها، قوانین و مقررات نیز به روزرسانی شوند. به علاوه طیف و گستره ضررهای معنوی بسیار وسیع است و توجه به احوال فردی و اجتماعی زیان‌دیده در ارزیابی و تقویم خسارت معنوی می‌تواند نقش مؤثری ایفا نماید. ذیل ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به این مهم تصریح شده است. توجه به وضعیت روحی و روانی زیان‌دیده، شرایط فرهنگی و اجتماعی وی و نقش عامل زیان، ارزیابی مطلوبی از میزان خسارت معنوی وارده را نمایان می‌سازد.

همچنین اینکه آیا لازم است ارزیابی میزان خسارت معنوی در باروری‌های پزشکی به کارشناس یا خبره واگذار شود، نیازمند مذاقه در نوع اشتباه است. بسیاری مواقع ارزیابی خسارت معنوی اهداگیرنده یا طفل ناشی از اهدا، توسط قاضی هر پرونده به‌عنوان فردی از اعضای جامعه قابل تشخیص است. با این حال در برخی موارد ارزیابی خسارت معنوی می‌تواند توسط خبره یا کارشناس مربوطه صورت گیرد. در مورد خسارت معنوی، قاعدتاً روان‌شناسان و روان‌پزشکان به‌عنوان کارشناس و خبره محسوب می‌شوند و بر این اساس می‌توان اذعان نمود که یکی از روش‌های ارزیابی خسارت معنوی، تقویم این خسارات با استفاده از استانداردهای مرتبط با علم روان‌شناسی و روان‌پزشکی است.

با وجود گرایش نظام‌های حقوقی به تقویم خسارت معنوی، از آنجایی که این قسم از خسارات،

عینیت نداشته و ملموس و قابل رؤیت نبوده و با معیارهای مادی نیز سنخیتی ندارد و از طرفی نیز به تبع گستردگی ابعاد روحی انسان، قلمرو خسارات معنوی قابل تقویم و همچنین شیوه تقویم این نوع خسارات به طور مشخص تعیین نشده است، نیازمند نظام‌مندی و انسجام مضاعفی در ارزیابی خسارات معنوی ناشی از اشتباه و خطا در باروری‌های پزشکی است. دیدگاه ویژه‌ای که نسبت به نظام جبران خسارات معنوی در باروری‌های پزشکی بایستی لحاظ گردد، نیازمند حمایت ویژه مقنن است تا حمایت معنوی از فرزندآوری با روش‌های پزشکی ارتقا یابد و زوجین محروم از نعمت فرزند، بتوانند با طیب خاطر از روش‌های درمانی بهره‌مند شوند. درغیراینصورت ضعف جدی در این عرصه، غیرقابل جبران است.

بدین ترتیب وجود معیاری مشخص و ثابت برای تقویم خسارت معنوی به دلیل گستردگی ابعاد غیرمادی یا به طور کلی روحی و روانی شخصیت انسان، مطلوب به نظر نمی‌رسد و براین اساس انعطاف‌پذیری معیارهای تقویم، موجبات جبران هرچه مطلوب‌تر خسارات معنوی را فراهم خواهد آورد. از طرفی رضایت و قبول نوع جبران خسارت معنوی از طرف زیان‌دیده ملاک اساسی تقویم تلقی می‌گردد و بسیار راهگشاست. به عبارتی خسارت معنوی با درونیات انسان سر و کار دارد و حالات روحی و روانی هر فرد بر وی آشکار است و در صورتی که پرداخت وجه نقد برای جبران خسارت معنوی، با رضایت زیان‌دیده همراه باشد، طریق مزبور مطلوب‌ترین روش جبران خسارت معنوی تلقی می‌شود. لذا صدور رأی وحدت رویه، اصلاح قانون مسئولیت مدنی و الحاق یک تبصره به ماده ۵ آن درخصوص جبران خسارات از جمله خسارت معنوی ناشی از باروری‌های پزشکی، اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و یا به روزرسانی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور و پیش‌بینی نظام منسجم جبران خسارت معنوی ضروری است.

منابع

فارسی

- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۴). مسئولیت مدنی دولت، تحولات حقوق خصوصی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم.
- ادریس، عوض احمد. (۱۳۷۷). دیه. ترجمه: علیرضا فیض، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۳). حریم خصوصی در رسانه های همگانی. مجله پژوهش های ارتباطی، دوره ۲، شماره ۳۹ و ۴۰.
- ایزانلو، محسن؛ بادی، حسن؛ نهرینی، فریدون و محمودی مقدم، سیدمصطفی. (۱۴۰۰). نگرشی بر میزان جبران خسارات بدنی با رویکرد مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، فرانسه و انگلستان، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۸، شماره ۱.
- بابایی، ایرج. (۱۳۸۹). جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، نشریه حقوق و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۲۸.
- بابائی، ایرج. (۱۳۹۸). حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء و رویه قضایی. جلد اول، چاپ سوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- برومند، ناهید؛ موسوی بجنوردی، سیدمحمد و آذین، سیدمحمد. (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی پزشک در خطاهای ناشی از باروری های پزشکی، مجله قرآن و طب، دوره ۷، شماره ۱.
- حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۵). ترمینولوژی حقوق، چاپ ۲۹، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- رجبی، عبدالله و پیرهادی تواندشتی، محمد. (۱۴۰۳). زیان معنوی در حقوق بین الملل خصوصی. فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۸۲.
- سلطانی نژاد، هدایت ا... (۱۳۸۰). مسئولیت مدنی خسارت معنوی. چاپ اول، تهران: انتشارات نور الثقلین.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم؛ رحمان ستایش، محمدکاظم و قیاسی، جلال الدین. (۱۳۷۶). قانون دیات و مقتضیات زمان. چاپ اول، تهران: انتشارات پیشین.
- صادق نیا، مریم؛ محمدنسل، غلامرضا و خواجهنوری، یاسمن. (۱۴۰۰). راهکارهای ترمیم آسیب های معنوی ناشی از جرم در حقوق ایران و حقوق تطبیقی. پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، دوره ۹، شماره ۱۸.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسد... (۱۳۹۰). مختصر حقوق خانواده، چاپ ۲۹، تهران: نشر میزان.
- صفایی معافی، سیدحسین؛ ایمان پور، اکبر و دریائی، رضا. (۱۴۰۲). شناسایی آسیب های روانی قابل جبران در حقوق انگلستان و ایران. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱.
- فهرستی، زهرا و فصیح رانندی، منصوره. (۱۳۹۰). جبران خسارت معنوی ناشی از خسارات مازاد بر دیه. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۳، شماره ۲۳.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). الزام های خارج از قرارداد- قواعد عمومی، جلد اول، چاپ ۱۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کریمی، عباس؛ بادینی، حسن و جواهرکلام، محمد هادی. (۱۴۰۱). نگرشی انتقادی و تحلیلی بر تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (جمع دیه و خسارت). مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۲، شماره ۲.
 - مرعشی نجفی، سید محمد حسن و شیرینی، عباس. (۱۳۹۷). دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 - منصور، محمد مهدی. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل حقوقی جبران خسارت ناشی از کارافتادگی و صدمات جانی. فصلنامه مطالعات حقوق، دوره ۶، شماره ۲۴.
 - میرشکاری، عباس و ارضی، محمد. (۱۴۰۰). تحلیل دو رأی درباره زیان معنوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱۰.
 - میرشکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات. (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی روش جبران زیان معنوی با تأکید بر رویکرد رویه قضایی ایران». مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱.
 - میرشکاری، عباس و حسینی، فاطمه سادات. (۱۴۰۳). نقد یک رأی در زمینه زیان های ناشی از تولد فرزند بیمار، مطالعه تطبیقی حق بر نبودن و جبران خسارات وارد بر آن. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲۱.
 - نجفی فتاحی، صمد. (۱۳۸۳). جبران مادی خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران. مجله کانون وکلا، دوره ۱، شماره ۱۸۶.
 - نقیعی، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). خسارت معنوی در حقوق اسلام و نظام های حقوقی معاصر. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
 - نیک نژاد، عاطفه؛ مظلوم رهنی، علیرضا. (۱۴۰۲). شیوه های جبران خسارت معنوی ناشی از نقص زیبایی خطای پزشکی. فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۴.
 - هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۷۸). بایسته های فقه جزا. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- عربی**
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۲۳ق). قراءات فقهیه معاصره. چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی.